

## حکمت از دیدگاه تعالیم اسلامی

۱- میثم علی بالائی ۲- خلیل بهرامی قصرچمی ۳- محسن فهیم

۱- دانشجوی دکتری گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

**dpardisinfo@yahoo.com**

۲- استادیار گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

**dr.bahrami36@gmail.com**

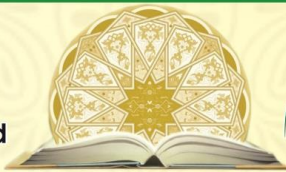
۳- استادیار گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

**fahimmohsen54@gmail.com**

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی حکمت از دیدگاه تعالیم اسلامی می باشد. حکمت به معنای علمی که خالی از خلل و یا معلومات عقلی که دور از خطا و کذب، یعنی استوار و محکم باشد، سبب استواری احوال و افکار و افعال می گردد و مانع آدمی از نادانی و زشت خوی و نادرستی می گردد. آن چه از متن متون دینی برمی آید آن است که راهکارهای دستیابی به حکمت بسیار کارساز بوده و می تواند انسان را به چشمه های جوشان حکمت در زندگی برساند و فردی که به معنای واقعی کلمه از هر کدام از این راهکارها به سمت حکیم شدن حرکت کند به ناخداگاه در مسیر سایر راهکارها قرار می گیرد و با تمامی شرایط در راه این چشمه حکمت قدم بر می دارد. در این مقاله ضمن شمردن راهکارهای دستیابی به حکمت و موانع آن تاکید شده است که برای دستیابی به این مهم و موفق شدن در مواجهه با موانع حکمت فرد می بایست مرتب مراقبت کند و خود را محاسبه کند و در صورت نیاز با خود مشاروطه و معاقبه کند تا خدای نکرده از این راه منحرف نگردد تا هر روز چشمه های حکمت بیشتری در قلب او بجوشد. در این حین فرد می بایست خود را ارزیابی کند و ببیند که آیا آثار حکمت بر او متجلی شده است یا خیر. به همین جهت در این پژوهش تحقیقات مفصلی در مورد این که حکمت چه آثاری بر روی فرد می گذارد انجام شد. فرد سالک با بررسی تک تک این آثار و بررسی خود می بایست دریابد که تا چه حد آثار حکمت در وی به معنای واقعی کلمه متجلی شده است و در صورتی که این آثار در وی ایجاد نشده بود به خو و اعمالش شک کند و چاره جویی کند تا بدین سان هر روز در راه تعالی خویش قدم بردارد.

**کلمات کلیدی:** حکمت، متون دینی، نهج البلاغه، موانع حکمت



## مقدمه

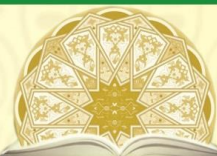
خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (بقره: ۲۱۹) خدا دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. واژه عربی حکمت از ریشه حکم است؛ معنای اولی این ریشه را برخی منع "بازداشتن" دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۹۱) و آن معنی است که برای اصلاح باشد، بر همین اساس، لگام اسب را حکمه الدابه خوانده‌اند، زیرا اسب را از چموشی و کج روی باز می‌دارد، همین معنا را در یکی از معانی ذکر شده برای حکمت نیز می‌یابیم: علمی که انسان را از کار زشت باز می‌دارد (طریحی، ۱۳۶۲، ش، ج ۶: ۴۵) و شاید از این رو فرمانروا را حاکم خوانده‌اند. چون ستمگر را از ستمگری باز می‌دارد. (فراهیدی، ۱۴۰۵، ق، ج ۳: ۶۷) نهادن امور در جای خود (جرجانی، ۱۹۷۸: ۹۷) نیز از معانی شایع حکمت است.

همچنین معنای حکمه (به کسر حاء و بر وزن فعله) به معنای استواری و اتقان است یا امری که در آن رخنه و ضعفی راه ندارد. در این صورت حکمت دانشی است که آدمی به کمک آن افعالش را از روی تدبیر و اتقان انجام می‌دهد (رازی، ۱۳۸۱، مق: ۷۸) و فرد حکیم نیز کسی است که فکر او بنای استوار و محکمی دارد و آفات در فکر و اندیشه او راه ندارد. تعاریف دیگری هم برای حکمت گفته شده که هر کدام جنبه‌ای از این مفهوم را روشن می‌کند. از جمله اینکه حکمت دست یافتن به حقیقت به یاری علم و عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۷: ۱۲۷) و یا اینکه حکمت شناخت بهترین چیزها با برترین دانش‌هاست (جرجانی: ۹۷) و در این صورت شناخت خداوند را می‌توان مصداق بارز آن دانست.

اما در قرآن بیست بار واژه حکمت و نیز حدود صد بار کلمه حکم آمده است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ذیل الحکمه) از میان تعاریف لغوی که برای حکمت شده دو تعریف بنیادین برای حکمت وجود دارد که آیات قرآن و احادیث بیشتر بدین دو معنی تکیه دارد: یکی منع و بازدارندگی و دیگری استحکام و استواری. ارتباط این دو معنی با هم آن است که علمی که خالی از خلل و یا معلومات عقلی که دور از خطا و کذب، یعنی استوار و محکم باشد، سبب استواری احوال و افکار و افعال می‌گردد و مانع آدمی از نادانی و زشت خوی و نادرستی می‌گردد.

حکمت به معنای مجموعه‌ای از توصیه‌های اعتقادی و دستورات اخلاقی هم است که عبارتند از: نهی از شرک و نهی از زیاده روی در هزینه‌ها، نهی از خوردن مال یتیم، نهی از قتل نفس، تکبر، امر به احسان به پدر و مادر، پرداخت حق نزدیکان و همسایگان و میانه روی در معیشت و داد و ستد عادلانه است (اسراء: ۲۲-۳۹). علامه طباطبائی ذیل آیه ۲۶۹ سوره بقره، همه آنچه مطابق با حق و واقع و متضمن سعادت انسان است حکمت خوانده است: مانند اعتقاد به مبدأ و معاد و دانستن حقایق فطری که اساس تشریع است (طباطبائی، ۱۳۹۳: ذیل بقره ۲۶۹) و حکمت را برهانی می‌داند که نتیجه آن حق و درستی است. (همان، ذیل نحل ۱۲۵). نشانه‌های حکمت در احادیث و روایات عبارتند از: زهد و سکوت، روزه داری، تفکر و وقار، راست گویی و اخلاص (طالقانی، ج ۱۳: ۷۵۱) است و اما از اهم آثار حکمت خشیه الله است. پیامبر می‌فرماید که بیم از خدای اساس هرگونه حکمت است. همچنین اخلاص و سکوت از موجبات و اسباب حکمت نیز شمرده شده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۱، مق، ج ۱۶: ۱۶۳).

بنا بر آیات قرآن حکمت موهبتی است الهی و معلم اصلی آن خداوند است. خدا به پیامبران حکمت آموخت: "و اذا اخذ الله میثاق النبیین لما اتیناکم من کتاب و حکمه" (آل عمران: ۸۱) و آنان را برانگیخت تا به مردم کتاب و حکمت بیاموزند: "لقد من



اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اِذْعَثَ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِنْ اَنْفُسِهِمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهٖ وَ يَزَكِّيْهِمُ الْكِتٰبَ وَ الْحِكْمَةَ (آل عمران: ۱۶۴). گاهی هم خدا به

برخی که پیامبر نیستند مستقیماً حکمت می‌آموزد: "لقد اتينا لقمان الحكمة" (لقمان: ۱۲).

### مساله و فرضیه های تحقیق

پس از بیان چستی حکمت و اهمیت آن، مساله اصلی پژوهش در مورد این خواهد بود که چه راهکارهایی و چه روش‌های صحیح و دقیقی برای دستیابی به حکمت از دیدگاه قرآن و احادیث وجود دارد؟ همچنین باید بررسی کرد که آیا اساساً دستیابی به این نوع علم برای همه انسان‌ها میسر است یا فقط افراد خاصی می‌توانند به آن دست یابند؟

در پاسخ به این سوالات و مسئله اصلی تحقیق به نظر می‌رسد راهکار دستیابی به حکمت از طریق ریاضت‌های جسمی و درونی امکان‌پذیر است همچنین به نظر می‌رسد دستیابی به این علوم مختص افراد خاص است و عموم مردم نمی‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند

بررسی متون اسلامی می‌تواند ما را در این مهم موفق بدارد و راهکاری را معرفی کند که دقیق‌ترین و مستقیم‌ترین راه برای دستیابی به حکمت می‌باشد و جلوی بسیاری از انحرافات و راه‌ها و مطالب کاذب عرفان‌های نوظهور را برای پاسخگویی به این نیاز بگیرد. بر این اساس در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی راهکارهای دستیابی به حکمت در متون دینی پرداخته خواهد شد.

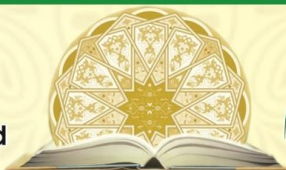
### راه‌های رسیدن به حکمت از دیدگاه قرآن و روایات

حکمت، از راه آموزش به دست نمی‌آید، بلکه عطیه‌ای است که از فضل خدا به برخی هدیه می‌شود؛ چنان که امام علی علام فرمود: «من خزائن الغیب ظهر الحکمة». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۱۰) امام رضا اسلام نیز فرموده‌اند: «هرگاه خدا بنده‌ای را برای امور بندگان انتخاب کند، سینه‌اش را گشاده گرداند و چشمه‌های حکمت را در قلبش جاری گرداند و علم را به گونه‌ای به او الهام می‌کند». (کلینی، ۱۳۶۲، ۲۰۱) اگر چه فرد می‌تواند حکمت عملی را با اراده و تصمیم بر عمل به آن دست یابد، ولی توفیق الهی را نیز لازم دارد.

### ۱- تزکیه و تهذیب نفس

تزکی از ماده تزکیه به معنی پاک سازی است که پاکی عقیده، گفتار و عمل هر سه را شامل می‌شود، و در حقیقت بهشت جایی است که از هر نظر پاک و پاکیزه است، و طبیعی است که برای غیر پاکان در آن راهی نیست. و لذا قرآن با صراحت آن را به عنوان پاداشی برای چنین اشخاصی ذکر کرده است. در این دو آیه از زبان ساحران فرعون بعد از پیروزی معجزه موسی علیه السلام بر سحر آنان، و ایمان آوردن و تسلیم شدنشان در برابر موسی پیغمبر ورد تهدیدهای فرعون و فرعونیان، می‌گوید: آن‌ها که با ایمان و عمل صالح در محضر پروردگارشان حاضر شوند درجات عالی دارند، این درجات عالی همان باغ‌های جاویدان بهشتی است که از زیر درخت درختانش نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و این است پاداش کسی که خود را پاک و پاکیزه کند (پیام قرآن، ۱۳۶۹، ج ۶: ۱۸).

مرحوم علامه مجلسی نیز این آیه را شامل آیاتی آورده که می‌گوید: «قلت یا رسول الله ای الجهاد افضل؟ عرض کردم کدام جهاد برتر است فرمود: ان یجاهد الرجل نفسه و هواه» برترین جهاد آن است که انسان بانفس و هوای خویش جهاد کند (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۴۱).



امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «أُطْلِبَ الْعِلْمُ تَزِدُّدُ عِلْمًا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳) - طلب کن علم را تا زیاد کنی علمی را. پس طلب علم نه تنها برای دریافت علم مقدماتی، بلکه برای زیاد نمودن علم هم می‌تواند مؤثر باشد زیرا که مراتب علم بجائی منتهی نمی‌شود. آنگونه که در قرآن بیان شده: «وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (یوسف: ۷۶) - و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است. حضرت امیر علیه السلام در جایی دیگر طلب علم را عامل دانا شدن می‌داند: «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ عِلْمٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ۲۳۹) ناگفته نماند فقط طلب علم مهم نیست بلکه، برای اینکه علم و آگاهی باعث نجات انسان گردد، علاوه بر طلب آن، باید آنرا از اهلش فرا گیرد و به آن نیز عمل کند (خرمشاهی - انصاری، ۱۳۷۶: ۵۸۷)

### ۳- رهایی از غفلت

قرآن مجید یکی از اهداف خود را نجات انسان از غفلت معرفی می‌کند: «تنزیل العزیز الرحیم لتنذر قوما ما انذر آباؤهم فهم غافلون» (یس: ۶). در این آیه نجات مردم از غفلت، هدف قرآن تلقی شده است و برای تحقق چنین هدفی می‌فرماید: باید مردم بین داده شوند تا به هوش آیند و از غفلت رهایی یابند.

### ۴- آگاهی از یگانگی خدا

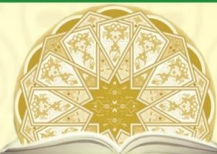
انسان تا به مرحله توحید در الوهیت نرسد و معتقد نشود که جز خداوند متعال موجود دیگری شایسته پرستش نیست، اهل نجات نخواهد بود. به همین دلیل همه پیامبران مردم را به توحید در الوهیت دعوت می‌کردند. حکمت از توحید آغاز شده و به توحید ختم می‌گردد. قرآن کریم نیز، که هدفش رساندن مردم به استانه نجات و سعادت ابدی است، یکی از اهداف نزول خود را آگاه ساختن مردم از توحید در الوهیت قرار داده است و می‌فرماید: «هذا بلاغ للناس.. ليعلموا انما هو اله واحد» (ابراهیم: ۵۲) یعنی در واقع قرآن سعی دارد در مرحله اول انسان را از غفلت و بی خبری نجات دهد، سپس امور فراموش شده را به خاطرش آورد. در مرحله بعد، زمینه به کارگیری عقل و آمادگی برای فهم حقایق را فراهم می‌آورد.

### ۵- خودشناسی

خودشناسی، تعبیر دیگری از حکمت است که باید به آن توجه نمود، چرا که خودشناسی مقدمه‌ای است برای معرفت و شناخت خداوند. حال، حکمت می‌تواند خودشناسی هم باشد. امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَ وَقُوفُهُ عِنْدَ قَدَرِهِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۱۱): برترین حکمت، خودشناسی انسان و از حد خود نگذشتن است. امام علی (ع) در جایی دیگر نیز فرموده‌اند: «وَمِنْ حِكْمَتِهِ عِلْمُهُ بِنَفْسِهِ». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۱: ۶۶) و از حکمت آدمی است خودشناسی.

### ۶- تواضع

برخی از احادیث، حکمت و تواضع را در کنار یکدیگر قرار داده‌اند و نشانه شخص حکیم را تواضع دانسته‌اند امام موسی کاظم (علیه السلام) در حدیثی خطاب به هشام فرمود: «إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبِتُ فِي السَّهْلِ وَ لَا يَنْبِتُ فِي الصِّفَا وَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ؛ ای هشام! کشت در زمین نرم می‌روید، نه در سنگ سخت، همچنین حکمت در قلب شخص متواضع



آباد می‌گردد، نه در قلب متکبر گردن فراز» (حرانی، ۱۳۸۰: ۵۰۴) زیرا خداوند تواضع را ابزار عقل و تکبر را از ابزار جهل قرار داده است.

## ۷- کاستی شهوات

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «كُلُّ مَا قَوَّيْتُ الْحِكْمَةَ ضَعَفْتُ الشَّهْوَةَ؛ هر اندازه حکمت قوی گردد، شهوت ضعیف می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۷۲۰۵). ایشان در حدیث دیگر می‌فرماید: «اغلبِ الشَّهْوَةُ تَكْمِلُ لَكَ الْحِكْمَةَ؛ بر شهوت چیره شو، تا حکمت کامل گردد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۱۶۵). حکمت، به کسانی اعطا می‌شود که دلبستگی زیادی به دار فانی نداشته و خود را از شهوات جدا کرده‌اند. امام علی (ع): «غیر منتفع بالحکمة عقلک معلوک بالغضب و الشهوة»: (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۸۵۳) اندیشه‌ای که از خشم و شهوت رنجور است، از حکمت بهره‌ای نمی‌برد.

## ۸- فرمانبرداری از خداوند

امام علی (ع): «رَأْسُ الْحِكْمَةِ لِرُومِ الْحَقِّ وَ طَاعَةِ الْمُحَقِّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۷۱۵) پایبندی به حق و فرمانبرداری از کسی که بر حق می‌باشد، اساس حکمت است. و باز در خطبه ۱۵۹ نهج البلاغه می‌فرمایند: «امر قضاء و حکمة، و یرضاه آمان و رحمة. یقضی یعلم» یعنی فرمان حق حکم لازم و حکمت است، و خشنودیش امان و رحمت، به علم حکم می‌کند. پیامبر اکرم (ص): «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ»: (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۸: ۴۵۳) ترس از خداوند، رأس حکمت است. امام علی (ع): «إِنْ اشْرَفَ الْحَدِيثُ ذَكَرَ اللَّهِ وَ رَأْسُ الْحِكْمَةِ طَاعَتُهُ» (شیخ طوسی، ۱۳۸۰: ۳۹۴) بهترین سخن، یاد خداست و رأس حکمت، اطاعت از اوست.

## ۹- صبر در راه تعلیم

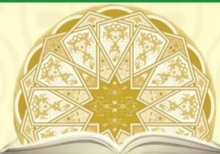
از جمله عوامل مؤثر در تحصیل علم و حکمت، صبر در این راه است. در داستان خضر و حضرت موسی، بعد از اینکه حضرت موسی علیه السلام تقاضای تعلیم می‌کند، اولین کاری که باید انجام دهد صبر است، در برابر آنچه که می‌بیند: «أَلْ لَّهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلًا قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (کهف: ۶۶-۱۸) - موسی به او گفت: «آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی - پیروی کنم؟» گفت: «تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی. خضر به او می‌گوید تو طاقت روش تعلیمی مرا نداری نمی‌گویی طاقت تعلیم را نداری» (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ۴۷۵)

## ۱۰- تقویت حس حقیقت جویی

مسأله دیگر در باب تعلیم و یادگیری، مسأله‌ی تقویت حس حقیقت جویی است. این غریزه کم و بیش در هر انسانی وجود دارد که کاوشگر و حقیقت جوست. و به همین علت دنبال علم می‌رود. این همه تأکیدات قرآن به سیر و سفر و دستور به تفکر و تدبیر در آیات و نشانه‌های خدا در زمین، همه برای کسب علم و تقویت حس حقیقت جویی در انسان می‌باشد. در بین سخنان امام علی علیه السلام نیز مواردی به چشم می‌خورد که حس کنجکاوی و حقیقت جویی خواننده را بر می‌انگیزاند خصوصاً در جاهایی که کلمات و عباراتی همچون «اندیشه کنید، نظر کنید، و یا فکر کنید» را به کار برده‌اند، ناخود آگاه توجه مخاطب را جلب می‌نماید

## ۱۱- انضباط شخصی (داشتن نظم و هدف در زندگی)





سالکان الهی که هدف عالی دارند، خستگی را خسته کرده‌اند و سراسر زندگی آنها تلاش است و کوشش، نور است و فروغ، شور است و نشاط. چه زیبا و دلنشین است هنگامی که آن روزنه تبدیل می‌شود به مدینه فاضله و بهشت موعود و قیامت او همین جا قیام می‌کند و می‌فهمد که بهشت سعادت و کمال انسانی او در گرو علم و عمل است و می‌فهمد که علم و عمل عرض نیستند، بلکه دو جوهر انسان ساز هستند و انسان با علم و علم صالح به فعلیت می‌رسد و فعلیت او همان کمال است و کمال او همان سعادت اوست و سعادت او همان بهشت موعود اوست، و سر انجام می‌فهمد که (و أن لیس للانسان آلا ما سعی) (نجم : ۳۹) بنابراین خستگی، بی حالی، بی کاری، تعطیلی، و مانند اینها از علائم بی هدفی است.

## ۱۲- خواندن کتاب های آسمانی

یکی از راه‌های بهره مندی از حکمت الهی، فراگیری کتاب آسمانی است. دو واژه کتاب و حکمت در برخی آیات قرآن (بقره : ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱؛ آل عمران : ۴۸، ۸۱، ۱۶۴؛ نساء : ۵۴، ۱۱۳؛ مائده : ۱۱۰؛ جمعه : ۲) با هم ذکر شده‌اند. مقصود از تعلیم کتاب، تفهیم الفاظ و بیان کیفیت ادای آن است و مقصود از تعلیم حکمت، مطلع کردن بر آنچه در کتاب به ودیعت نهاده شده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱ : ۶۰۹). بنابراین، کتاب آسمانی مشتمل بر حکمت می‌باشد که فراگیری آن، راه بهره‌مندی از حکمت است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۲ : ۶۶).

## ۱۳- تزکیه نفس

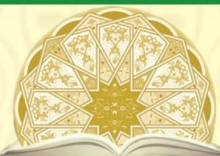
آن چه در توضیح و تبیین معنای تزکیه آوردیم، در برخی از منابع لغوی دیگر نیز آمده است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶ : ۲۳۶۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹ : ۴۹۴؛ احمد الزیات؛ حامد عبدالقادر؛ محمد النجار : ۳۹۶). از مجموع آن می‌توان نتیجه گرفت که معنای اصلی و لغوی تزکیه، پیراستن، آراستن و رشد دادن است.

در نگرش قرآنی برای تزکیه نفس به عنوان یکی از مهمترین اهداف ایمان جایگاه ویژه و ارزش خاصی بیان شده است. تزکیه نفس به عنوان مأموریت پیامبران مورد توجه قرآن قرار گرفته است و در آیه ۲ سوره جمعه و نیز آیه ۱۶۴ آل عمران از آن به عنوان هدف دوم بعثت پیامبران یاد شده است. به این معنا که پیامبران آمده‌اند تا خود به عنوان عامل بیرونی اقدام به تزکیه نفوس بشری کنند؛ زیرا انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال نیازمند است تا هم از درون و هم از بیرون مورد توجه قرار گیرد.

تزکیه نفوس بشر بالاترین وظیفه پیامبران است زیرا مادامی که نفس بشر از کثافات اخلاقی که مهم‌ترین آن‌ها تخلیه از شرک است و ناشی از جهل و کبر و تعصب و خودخواهی و غیر آن است و نیز از باقی صفات نکوهیده و اخلاق رذیله تخلیه نشود ممکن نیست به زیور علم و حکمت آراسته گردد این است که دانشمندان گفته‌اند تخلیه قبل از تحلیل است (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۲ : ۲۹۳).

## ۱۴- طهارت

جناب شیخ کبیر صدر الدین قونوی در شرح اربعین این حدیث نورانی را از وجود مقدس رسول گرامی اسلام صلی الله علیه نقل کرده است که (ان بعض اصحابه شکی الیه الفقر و القلة فقال له صلی اله علیه و آله دم علی الطهارة یوسّع علیک الرزق) (صدر الدین قونوی، ۱۴۰۴ : ۵) گناهان به طور کلی نجاسات باطنی هستند، منتهی بعضی از گناهان طوری است که از باطن به ظاهر هم سرایت می‌کند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که (ان العبد لیحرم الرزق بالذنب یصیبه) (صدر الدین قونوی، ۱۴۰۴ : ۹) این حرمان گاهی نسبت به رزق معنوی و روحانی است و گاهی حرمان از رزق ظاهری، چه این که طاعات به طور کلی مطهرات هستند، گاهی



این طهارت به طریق محو و عفو می باشد (ان الحسنتان بذهبن السنتان) و گاهی به طریق تبدیل و مغفرت : (فأولئك بدل الله

سیئاتهم حسنات) (فرقان : ۷۰)

## ۱۵- احسان

احسان و نیکوکاری، زمینه بهره مندی از حکمت الهی است، قرآن کریم در آیات (یوسف : ۲۲؛ قصص : ۱۴) به هنگامی که سخن از دادن حکمت و علم به حضرت یوسف و حضرت موسی می گوید، اضافه می کند : «این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم یعنی مواهب الهی حتی به پیامبران بی حساب نیست. و هر کس به اندازه نیکوکاری و احسانش از دریای بی کران فیض الهی بهره می گیرد.

آیت الله مکارم در تفسیر آیه ۱۴ سوره قصص «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص : ۱۴) می نویسد : تعبیر «كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» به خوبی نشان می دهد که حضرت موسی (علیه السلام) به خاطر تقوای الهیش، و به خاطر اعمال نیک و پاکش، این شایستگی را پیدا کرده بود که خداوند پاداش علم و حکمت به او بدهد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶ : ۴).

## ۱۶- رشد و بلوغ

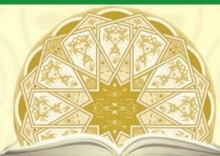
از نظر قرآن بلوغ جسمی و فکری، زمینه ای برای بهره مندی از حکمت است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید : «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» به او دادیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم! (یوسف : ۲۲) «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم و این گونه نیکوکاران را جزا می دهیم! (قصص : ۱۴). ثقی در تفسیر این آیه می نویسد : کلمه اشد که به معنای قوت و توانائی است و مراد از استواء اعتدال قوی و کمال عقل و ادراک است و در معانی از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که اشد هجده سال و استواء ملتحمی شدن است (ثقی تهران، ۱۳۹۸، ج ۴ : ۱۷). همچنین طبرسی نیز می نویسد : همین که موسی رشد کرد، و عقلش کامل شد، او را به حکمت و دانش برتری بخشیدیم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷ : ۳۸۰).

## ۱۷- اندیشه و تعقل

تدبر در آیاتی که مشتقات عقل و الفاظ مترادف و متقارب عقل در آنها به کار رفته است. به نظر می رسد عقل از دیدگاه قرآن موهبتی الهی است که انسان از طریق آن، علم نافع و هدایتگر به سوی عمل صالح را کسب می نماید. عقل در روایات به معانی گوناگونی استعمال شده است که یکی از معانی آن، قوه تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده وی از شر و فساد است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱ : ۱۱)

در آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره : ۲۶۹) پس از بیان اینکه خدا حکمت را به هر کس که بخواهد می دهد و حکمت خیر کثیر است، آمده است که تنها اولوالالباب، خردمندان و عقلاً متذکر این مطلب می شوند. بنابراین شرط وجدان حکمت، عقل بوده و هر کس به میزان بهره مندی از عقل، از حکمت برخوردار است. در حدیث مشهوری که در آن جنود عقل و جهل بیان شده است، حکمت از جنود عقل، در مقابل هوی از جنود جهل قرار گرفته است. در احادیث زیادی حکمت از آثار عقل شمرده شده و هوی، هوس و شهوت ضد عقل بیان گردیده است (برنجکار، ۱۳۷۹ : ۵).

نکته قابل توجه اینکه در روایات بسیاری همراه فکر کردن خاموشی نیز به کار رفته است. از جمله اینکه گفته شده است : «الصَّمْتُ رَوْضَةُ الْفِكْرِ» (خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۱ : ۱۴۶) - خاموشی باغ فکر است. در جایی دیگر امام علیه السلام خاموشی را علامت نیل یعنی



## ۱۸- شکر

در آیات سوره لقمان شکر از نتایج حکمت شمرده شده است ولی شاید بتوان یکی از عوامل ایجاد حکمت را شکر دانست به این معنا که انسان با شکر پروردگار می‌تواند به این قابلیت برسد که حق تعالی او را ظرف حکمت قرار دهد و این نعمت را بر او نازل گرداند. لذا به نظر می‌رسد رابطه حکمت و شکر دو طرفه باشد یعنی زیاد شدن در هر طرف به افزایش طرف دیگر منجر می‌شود. علامه در توضیح آیه ۱۲ سوره لقمان چنین می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» کلمه «حکمت» به طوری که از موارد استعمالش فهمیده می‌شود به معنای معرفت علمی است در حدی که نافع باشد، پس حکمت حد وسط بین جهل و جربزه است.

## ۱۹- تقوا

یکی دیگر از عوامل مؤثر در دستیابی به علم و حکمت پاکی درون و تقوا و پرهیزگاری است. این مورد از مواردی است که به صورت غیر مستقیم در امر تعلیم و یادگیری مؤثر است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص: ۱۴) - و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. در جایی دیگر می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره: ۱۵۱) - همان طور که در میان شما، فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پاک می‌گرداند، و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد.

در آیات مذکور بیان شده که قبل از تعلیم کتاب و حکمت پیامبران وظیفه‌ی تزکیه و پاک سازی درون مردم را بر عهده داشتند.

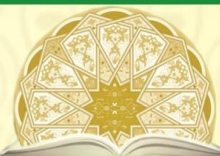
امام علی علیه السلام در جایی دیگر ورع را نیز عامل افزایش و یا پاکیزگی علم می‌دانند و می‌فرمایند: «يَزُكُّو الْعِلْمُ بِغَيْرِ وَرَعٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸) - پاکیزه نمی‌باشد یا افزایش نمی‌کند علم بغیر پرهیزگاری. جمال الدین خوانساری در شرح این سخن چنین می‌گوید: «یعنی غیر پرهیزگاری چیزی سبب پاکیزگی علم یا افزایش آن نمی‌شود، یا علمی که بوده باشد بی پرهیزگاری پاکیزه نمی‌شود یا افزایش نمی‌کند. (خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۶: ۳۸۸)

حضرت علی می‌فرماید: «كَلَّمَا قَوِيَتْ الْحِكْمَةُ ضَعُفَتِ الشَّهْوَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۹) یعنی قوی شدن حکمت باعث ضعیف شدن شهوت می‌گردد و از طرف دیگر می‌فرماید: «غَلِبَ الشَّهْوَةُ تَكْمَلُ لَكَ الْحِكْمَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۴) غالب شو بر خواهش و آرزو تا تمام شود از برای تو حکمت. نهایتاً اینکه یعنی حکمت با شهوت رابطه‌ی معکوس دارد. قوی شدن یکی به ضعیف شدن دیگری می‌انجامد.

## ۲۰- زهد

حکمت، آشکارترین پیوند را با زهد دارد و بر این حقیقت، به گونه‌های مختلفی، در احادیث تاکید شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ اعْطَى الزَّهْدَ فِي الدُّنْيَا فَاقْتَرَبُوا مِنْهُ فَانَّهُ يَلْقَى الْحِكْمَةَ» هرگاه کسی را دید که در دنیا زهد پیشه کرده، به او نزدیک شوید که حکمت به او القا می‌شود.





امام صادق (علیه السلام) فرمود: «من زهد فی الدنيا أثبت الله الحكمة فی قلبه وأُتق بها لسانه وبصره عیوب الدنيا داءها ودواءها وأُخرج من الدنيا سالماً إلى دار السلام؛ کسی که به دنیا زاهد و بی رغبت باشد، خدا حکمت را در قلبش بر جا دارد و زبانش را به آن گویا سازد و او را به عیب‌های دنیا و درد و دوایش بی‌نا گرداند و او را از دنیا سالم بیرون کند و به بهشت دار السلام در آورد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲۸؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۱۰).

## ۲۱- خدا ترسی

حکمت، پیوندی ناگستنی با خدا ترسی دارد و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، ترس از خداوند متعال را پایه و اساس حکمت معرفی می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «رأس الحكمة مخافة الله عزوجل؛ اساس حکمت ترس از خداوند عزوجل است» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۹۱). جای دیگر از ایشان نقل شده است که: «خشیة الله رأس كل حكمة؛ بیم از خداوند اساس هر حکمتی است» (اصفهانی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۸۶). در برخی از روایات، اطاعت از خداوند متعال به عنوان ریشه و خاستگاه حکمت معرفی شده است. رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «إن أشرف الحديث ذكر الله تعالى و رأس الحكمة طاعته؛ برترین سخن، ذکر خداوند متعال است و اساس حکمت، فرمانبرداری اوست» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۵۷۶، ۷۸۸).

## ۲۲- سکوت

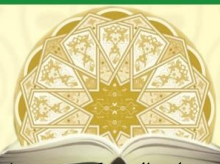
یکی از زمینه‌های حکمت خاموشی و سکوت است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی می‌فرماید: «إذا رأيتم المؤمن صموتاً فادنوا منه فإنه يلقي الحكمة؛ هرگاه مؤمن را خاموش دیدید، به او نزدیک شوید؛ زیرا حکمت به او القا می‌شود» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۷). در حدیث دیگری امام رضا (ع)، خاموشی را دری از درهای حکمت شمرده می‌فرماید: «الإمام الرضا عليه السلام: من علامات الفقه: الحلم والعلم و الصمت، إن الصمت باب من أبواب الحكمة، إن الصمت يكسب المحبة، إنه دليل على كل خير؛ از نشانه‌های فقاقت بردباری و علم و خاموشی است، همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، همانا خاموشی محبت می‌آورد و راهنمای هر امر خیری می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۲؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۱۳).

## ۲۳- دعا

یکی دیگر از عوامل اعطای حکمت، دعا کردن و طلب حاجت از خداست. دعا گاهی از سوی خود فرد صورت می‌گیرد و گاهی از سوی دیگری و دعا برای دیگران، سریع‌تر به اجابت می‌رسد؛ چنان که حضرت ابراهیم السلام برای امت محمدی دعا کرد و خداوند آن را به اجابت رسانید، حضرت محمد، را به پیامبری برگزید و به او علم و حکمت عطا کرد «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزّه سازد، که تو بر هر کار که خواهی قدرت و علم کامل داری).

## ۲۴- اخلاص در عمل

الإمام علی علیه السلام: عِنْدَ تَحَقُّقِ الْإِخْلَاصِ تَسْتَنِيرُ الْبَصَائِرُ؛ امام علی علیه السلام: با تحقق اخلاص، دیدگان نور می‌گیرند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۲۱۱) عنه علیه السلام: هُدَى مَنْ أَخْلَصَ إِيْمَانُهُ؛ امام علی علیه السلام: آنکه ایمانش را خالص کرد، هدایت یافت (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۰۰۱۵).



امام خمینی در این رابطه می فرماید: " شما اگر نیست خود را خالص کنید، عمل خود را صالح ننمایید حب نفس و حب جاه را از دل بیرون کنید، مقامات عالیه و درجات رفیعہ برای شما تهیه و آماده می باشد.

## ۲۵- خواندن سخنان حکیمانه

انسانی که مرتب سخنان حکیمانه را مورد مطالعه قرار دهد بعد از مدتی سخنان او نیز همانند آنها حکیمانه می شود و این حکمت از قلب به زبانش و از زبان به قلبش مدام نقل و انتقال پیدا می کند.

خواندن سخنان حکیمانه باعث می شود که حکمت در قلب و دل آدمی زنده شود و از حالت افسردگی و خستگی بیرون آید و پرتلاش به سمت معرفت حرکت کند در این زمینه امام علی (ع) می فرمایند: وَ قَالَ (علیه السلام): إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ الْحَكِيمِ وَ فرمود (ع): این دلها هم ملول می شوند، انسان، که تن ها ملول می شوند. پس برای نشاط آن (زنده کردنشان) سخنان نغز و حکمت آمیز بجوید. (نهج البلاغه : حکمت ۹۱)

## ۲۶- تیزبینی

یکی دیگر از عواملی که باعث دستیابی به حکمت می گردد نگاه با بصیرت و تیزبینی است که انسان متفکرانه و هوشمندانه به پدیده ها بنگرد و در آنها تامل کند این تیزبینی و با دقت نگاه کردن باعث افزایش حکمت در قلب و شعله ور شدن آن می گردد در این باره امام علی (ع) می فرماید: ... فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ وَ مَنْ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ عَرَفَ الْعِبْرَةَ وَ مَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَانَ كَأَنَّ فِي الْأَوَّلِينَ... هر که از روی هوشمندی نگرد، حکمت بر وی آشکار شود و هر که از حکمت بر وی آشکار شود، آموخته است که چگونه از حوادث عبرت گیرد و هر که عبرت گرفتن را آموزد، گویی با گذشتگان در گذشته، زیسته است. (نهج البلاغه : حکمت ۳۱)

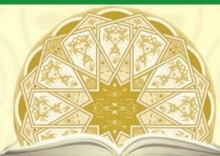
## ۲۷- اسما الحسنی

از امام علی علیه السلام نقل شده است : که فرمود : الذکر ذکران : ذکر عند المصیبه حسن جمیل و افضل من ذالک ذکر الله عند ما حرم الله علیک فیکون ذالک حاجزاً. ذکر بر دو گونه است : یاد کردن خدا به هنگام مصیبت، زیبا و جالب است و از آن برتر، که خدا را در برابر گناهان یاد کنی، و میان تو حرام سدی ایجاد نماید (مجلسی ، ۱۴۰۴، ج ۷۵ : ۵۵). در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می خوانیم که فرمود: من ذکر الله و لم یستبق الی لقائه فقد استهزء بنفسه، کسی که ذکر خدا بگوید به سوی القای او سبقت نجوید (و اعمال نیک برای رستخیز فراهم نسازد) خود را به سخریه گرفته است (مجلسی ، ۱۴۰۴: ۳۵۶)

## ۲۸- استاد

وجود مقدس حضرت سید الساجدین علی بنا بر نقل مرحوم مجلسی در بحار الانوار فرمود: «هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵: ۱۵۹) انسان در تمام ابعاد زندگی احتیاج به هادی و حکیم دارد. اما در سیره علمی نیاز انسان به راهنمای خبیر ضروری تر است علمی سیر و سلوک عملی و تحولات روحی انسان که بدون مربی و استاد زبان فهم هلاکت و نابودی او را تهدید میکند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در منشور معرفت فرمود: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاةٍ...» (نهج البلاغه : حکمت ۱۴۷) این کلام نوران حضرت وصی سلام الله علیه در بیان همین مطلب مهم است که انسان حکیم و عالم ربانی شده است



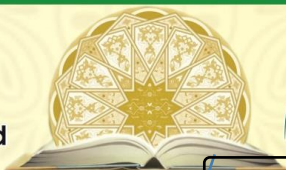
و با در مسیر سیر و سلوک انسان تحت تربیت و ارشاد استاد ربانی قرار گرفته است که این سبیل و فلاح و رستگاری می باشد. در برابر آن دو گروه، کسانی که نهال وجود خویش را به دست مربی و حکیم الهی نسپارند، اینها همه رعا ع هستند. درباره اینها حضرت فرمود: «اتباع كل ناعق يميلون مع كل ريح لم يستضيئوا بنور العلم و لم يلجؤوا إلى ركن وثيق» در حقیقت، این بیان حضرت امیرالمومنین شرح حال هلاک شده گان مسیر زندگی انسانی است و این که فرمود «لم يضيئوا بنور العلم» سر مطلب همان است که وجود مطهر امام هفتم له به هشام فرمود: «لأعلم الا من عالم رباني» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷). انسان را قابلیت و لیاقتی است که اگر نهال وجودش را به دست مربیان کامل و مکمل یعنی عالم ربانی و حکیم مرشد الهی بسپارد و دستورالعمل باغبان دین و نهال پرور و انسان ساز را در متن وجود و شئون زندگی روحی پیدا می کند که مشود شجره طیبه.

پیامبر اکرم و در روایتی فرمودند: «هر کس حکمت را می خواهد، اهل بیت من را دوست بدارد» و در روایت دیگری نیز فرموده اند: «هر کس علی (ع) را دوست بدارد، (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۱۱۶) خداوند حکمت را در قلبش ایجاد می کند و سخن درست را بر زبانش جاری می سازد». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۵۸) البته اعطای این حکمت توسط خداوند، از دو راه می تواند صورت پذیرد؛ یکی کسب آن از طریق اهل بیت ع و دیگری، اعطای بدون واسطه توسط خداوند.

### نتیجه گیری

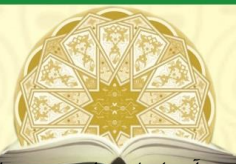
هدف از این پژوهش حکمت و راهکارهای دستیابی به آن از دیدگاه متون دینی می باشد. در قرآن بیست بار واژه حکمت و نیز حدود صد بار کلمه حکم آمده است. از میان تعاریف لغوی که برای حکمت شده دو تعریف بنیادین برای حکمت وجود دارد که آیات قرآن و احادیث بیشتر بدین دو معنی تکیه دارد: یکی منع و بازدارندگی و دیگری استحکام و استواری. ارتباط این دو معنی با هم آن است که علمی که خالی از خلل و یا معلومات عقلی که دور از خطا و کذب، یعنی استوار و محکم باشد، سبب استواری احوال و افکار و افعال می گردد و مانع آدمی از نادانی و زشت خوی و نادرستی می گردد. ملا احمد نراقی حکمت را علم به حقایق اشیا تعریف کرده و آیه شریفه «و من یوت الحکمه...» (بقره: ۲۶۹) را این گونه ترجمه می کند: «هر که را اعطا شد او علم و دانشمندی، به تحقیق که خیر بسیار به او اعطا شده است.».

در منابع روایی در احادیث دیگر از پیامبر گرامی اسلام آمده است که: «کاد الحکیم أن یکون نبیا؛ حکیم، گویا یک پیامبر است» در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم: «الحکمه أقدت المساکین مقاعد العلماء؛ حکمت، مستمندان را بر جایگاه دانشمندان می نشاند.» یا در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است: «إن الحکمه تزيد الشریف شرفاً، وترفع العبد المملوک حتی تجلسه مجالس الملوک؛ حکمت، شرف بزرگوار را می افزاید و بنده مملوک را تا مجلس ملوک بالا می کشد». پس از بحث و تحقیق فراوان در مورد این که با چه راهکارهایی می توان به حکمت دست یافت به نتایج زیر رسیدیم که به اختصار در قالب نمودار بیان می گردد



راهکارهای دستیابی به  
حکمت

- دعا
- سکوت
- خدا ترسی
- زهد
- تقوا
- شکر
- اندیشه و تعقل
- رشد و بلوغ
- احسان
- خواندن کتاب های آسمانی
- طهارت
- تزکیه نفس
- انضباط شخصی
- تقویت حس حقیقت جویی
- صبر در راه تعلیم
- فرمانبرداری از خداوند
- کاستی شهوات
- تواضع
- خودشناسی
- آگاهی از یگانگی خدا
- رهایی از غفلت
- میل به کسب علم و آگاهی
- تزکیه و تهذیب نفس
- اخلاص در عمل
- اهمیت به نوع خوراک
- خواندن سخنان حکیمانه
- تیزبینی
- ذکر و راز و نیاز
- الگو پذیری از زندگی علماء
- دوستی اهل بیت



حکمت، حاصل تهذیب دل با عقل است که در نتیجه ی آن ابعاد نظری و عملی وجود انسانی شکوفا شده، عقل عملی با انجام فضایل به مراتب والاتر صعود می کند و موجب ارتقای انس ان در مرتبه حکمت نظری نیز می شود. باید بیان داشت که طریق سیر و سلوک در عرفان اصیل اسلامی نمی تواند، بدون اخلاق، آن هم اخلاقی که مشتق و منشعب از کلام وحی و گفتار و کردار معصومین (علیهم السلام) باشد، برای هیچ جویای حقیقتی هموار باشد. از سوی دیگر نیز می توان گفت که رسیدن به اخلاق الهی جز با عنایت حق تعالی امکانپذیر نمی باشد.

جهت تحکیم حکمت و موفق شدن در مواجهه با موانع حکمت فرد می بایست مرتب مراقبت کند و خود را محاسبه کند و در صورت نیاز با خود مشاطره و معاقبه کند تا خدای نکرده از این راه منحرف نگردد و هر روز چشمه های حکمت بیشتری در قلب او بجوشد. در این حین فرد می بایست خود را ارزیابی کند و ببیند که آیا آثار حکمت بر او متجلی شده است یا خیر.

از نظر نگارنده به نظر می رسد هر کدام از راهکارها به تنهایی خود در بردارنده سایر راهکارها نیز می باشد به همین سبب است که در قرآن و احادیث به تنهایی هر کدام از راهکارها را جهت رسیدن و دستیابی به حکمت کافی می داند مثلاً در احادیث بیان شده است هر کس ورع بورزد (بدون گفتن سایر عوامل) ما به او حکمت می دهیم چرا که خود این به تنهایی شامل تمامی راهکارها و از بین بردن موانع می باشد بنابراین اگر فقط یکی از راهکارها را با دقت انسان در پیش بگیرد او را به سرمنزل مقصود خواهد رساند

با توجه به دستاوردهای پژوهش به این نتیجه می رسیم که برخلاف فرضیه تحقیق راهکار دستیابی به حکمت از راه ریاضت های خاص نیست بلکه در اسلام راهکار دستیابی به حکمت زدودن غبارهای درونی و حرکت در مسیر حق با توجه به تعالیم و دستورات اسلام زیر نظر استاد جامع و حق جوست همچنین برخلاف فرضیه دیگر تحقیق این راه برای همگان باز است و فقط اختصاص به افراد خاص ندارد بلکه هر فردی می تواند با تاسی به راهکارهای ارائه شده در این تحقیق به بالاترین سرچشمه های حکمت دست یابد و خود و دیگران را سیراب کند.

به طور کلی می توان گفت که، هدف اساسی از تحصیل علم و حکمت رسیدن به سعادت و رستگاری و قرب الهی است. این امر زمانی محقق می شود که عالم و حکیم به علم خود عمل نمایند، به علاوه ، هدفی الهی نیز داشته باشند و از علم و حکمت به عنوان ابزاری برای اهداف والاتر استفاده شود، و گر نه علمی که از حد مادیات و دنیای ظاهر فراتر نرود علم نیست بلکه جهل است. انسان مظهر جامع اسماء الهی و نسخه عالم تکوین است، بنابراین عوالم متناظر با عالم کبیر از ناسوت تا لاهوت در وجود انسان قرار داده شده است. کمال و سعادت واقعی در نیل به حقیقت غایی و به تعبیری «قرب الهی» است و آن نیز به مفهوم ارتقاء نفس ناطقه از عالم ناسوت یا شهادت به عوالم بالاتر و تا مقام و مرتبه ای است که در حق فانی گردد و هیچ منیت و انانیتی از او باقی نماند.

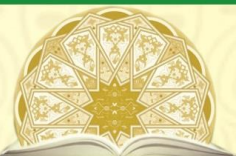
## منابع

ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) ، محمد بن علی (بی تا). الفقیه (کتاب من لا یحضره الفقیه)، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

ابن فارس، ابی حسن احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.

آلوسی ، سید محمود (۱۴۱۵ه.ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم ، بیروت دار الکتب العلمیه ، چاپ اول .





آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۱). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه محمدعلی انصاری، به تصحیح و مهدی انصاری قمی، چاپ هفتم،

قم: انتشارات امام زمان (عج).

برنجکار، رضا (۱۳۷۹). مفهوم حکمت در قرآن و حدیث صحیفه مبین.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق). سنن ترمذی. تحقیق: عبدالرحمن محمدبن عثمان، الطبعة الثانية، بیروت: دار الفکر.

تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. ج ۶-۵-۳-۱، قم: دفتر تبلیغات.

ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ ق). تفسیر روان جاوید. چاپ دوم، تهران: زهرا.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). اسرار عبادت. چاپ اول، تهران: انتشارات الزهراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). معرفت شناسی در قرآن. چاپ اول، قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). شرح حکمت متعالیه اسفاراربعه، ج ۶، قم: انتشارات الزهراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. تحقیق احمد بن عبد الغفور عطار، الطبعة الرابعة، بیروت: دار العلم للملایین.

حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۳۸۰). تحف العقول. ترجمه: بهراد جعفری، چاپ اول، تهران: اسلامیه.

حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول من آل الرسول. ترجمه صادق حسن زاده، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ق). وسائل الشیعه. تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۲۵ و ۱۲، تهران: المکتبه الاسلامیه.

خرمشاهی، بهاء الدین؛ انصاری، مسعود (۱۳۷۹). پیام پیامبر. چاپ اول، تهران: منفرد.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). چیستی علم حضوری و کارکردهای معرفت شناختی آن. نشریه ذهن، شماره ۱۵ و ۱۶.

خوانساری، جمال الدین (۱۳۹۲ش). شرح جمال الدین خوانساری بر غررالحکم. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

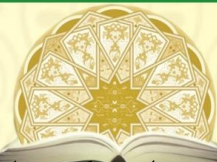
دیلمی، حسن ابن ابی الحسن (۱۳۷۹). ارشاد القلوب، ترجمه ی سید عباس طباطبایی، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم.

رازی، نجم الدین (۱۳۸۱). مرموزات اسدی در مرموزات داودی، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۷). المفردات فی غریب القرآن، تهران

زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیر، بیروت - لبنان: دارالفکر

شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). عیون أخبار الرضا (ع). تحقیق: الشیخ حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.



طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم. چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). الرسائل التوحیدیه. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، ابوالفضل بن الحسن بن الفضل (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبرسی، ابوالفضل بن الحسن بن الفضل (۱۳۹۰) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، مترجمین: حسین نوری، محمد مفتاح، تهران: انتشارات فراهانی

طریحی، فخر الدین (۱۳۶۲ ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

فراهیدی خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق) کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.

قرشی بابایی، علی اکبر (۱۳۵۲)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قونوی، صدرالدین ابوالمعالی، محمد بن اسحاق (۱۴۰۴). شرح اربعین حدیث، بی جا

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی. ج ۲ و ۵ و ۸، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة. الطبعة ثانیة، ج ۱ و ۲ و ۵ و ۱۲ و ۵۵ و ۷۰ و ۷۹، بیروت: موسسه الوفاء.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الاثمه الاطهار. ج ۱ و ۲ و ۵۹ و ۶۳، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹) علم و حکمت در قرآن و روایات، با همکاری رضا برنجکار، عبدالهادی مسعودی، ترجمه ی عبدالهادی مسعودی، قم: دار الحدیث، چاپ اول

هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن. قم: موسسه بوستان کتاب.